

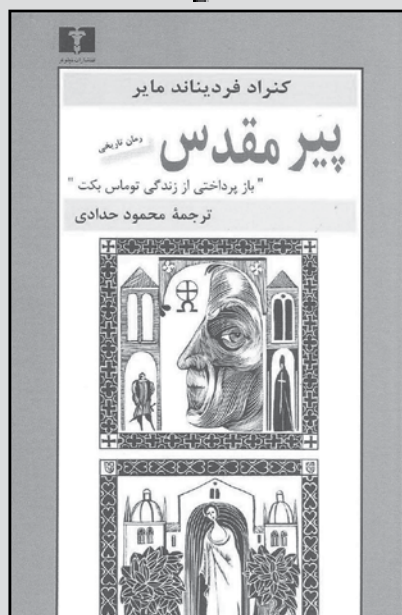
صدراعظمی که پس از مرگ

قدیس شد

نگاهی به رمان تاریخی «پیر مقدس»



حمید نامجو*



کتاب پیر مقدس یک رمان تاریخی است که اخیراً چاپ دوم آن بعد از سالها توسط نشر نیلوفر منتشر شده است. نویسنده رمان کنراد فردیناند مایر و مترجم آن محمود حدادی است. این کتاب به ماجرای زندگی «توماس بکت» میپردازد. دولتمردی که سالها بعنوان مشاور «هنری دوم» پادشاه انگلستان و بعدها در مقام نخست وزیر، به او خدمت کرده و جزء معتمدترین نزدیکان شاه بود. اما بدلیل اختلافی که پادشاه با کلیسای کاتولیک و پاپ پیدا کرد او را به بالاترین مقام مذهبی در انگلستان منصوب کرد. اما توماس بکت وقتی در این مقام قرار گرفت بعنوان مردی مذهبی و سراسقف دیگر خود را متعهد به پیروی از فرامین شاه نمیدانست بلکه بعنوان یک مقام مذهبی با برخی از رفتارها و سیاست های اشراف، درباریان و شخص پادشاه مخالفت کرد و در نهایت مورد خشم و نفرت پادشاه قرار گرفت و به زندان و شکنجه و مرگ محکوم شد.

*نویسنده و
منتقد ادبی

تاریخ انگلستان بعد از هجوم آلمانی ها در قرن پنجم میلادی و بیرون کردن رومیان از این جزیره، تاریخ پرفراز و نشیبی دارد. مراتع سرسبز و زمینهای حاصل خیز انگلستان در آن دوران همواره مورد طمع پادشاهان کشورهای اسکاندیناوی، فرانسه و دانمارک بود. در عین حال ساکسن ها که ساکنان بومی انگلستان بودند بر علیه این تجاوزها ایستادگی میکردند یا از ترس هجوم لشکر یک کشور دشمن با کشور دیگری هم پیمان میشدند. از سال ۱۰۶۶ میلادی عملاً «نورمن ها» یا پادشاهان سرزمین «نورماندی» که در شمال غربی فرانسه و در ساحل دریای مانش قرارداد و در آن دوران بر کل فرانسه فرمان میراندند بر انگلستان مسلط شدند و امپراتوری نورمن ها را بنیان گذاشتند. هنری اول که اصلیت فرانسوی داشت توانست بر ولز و اسکاتلند و دوک های برتانی و کنت های فلاندر مسلط شود و همه جزیره بریتانیا را به زیر فرمان خود درآورد. پس از او دخترش ماتیلدا به تخت و تاج پادشاهی دست یافت و میراث خود را به پسرش هنری دوم واگذار کرد. هنری دوم که پدر ریچارد شیردل نیز بود بعد از رسیدن به پادشاهی برکل فرانسه و انگلستان حکومت میکرد. هنری دوم، توماس بکت که مردی باسواد و فرهیخته بود و برعکس سایر درباریان تبار اشرافی نداشت به صدراعظمی برمیگزیند. توماس بکت فرزند زنی زیبا از خاندانی مراکشی و مسلمان است که هرگز پدرش را نشناخته است. او در غرناطه به مدرسه مذهبی رفته است و چیزهایی نیز از مادرش آموخته است. او هم با آموزه های اسلامی آشنایی دارد و هم با آموزه های مسیحی. این بزرگ شدن در میان چند فرهنگ مختلف باعث شده است که مردی اهل تساهل و مدارا باشد. با این وجود به هنری دوم وفادار است و دانش و هوش بیکران خود را در خدمت پیشرفت حکومت او قرار میدهد.

یکی از چالش های حکومت هنری دوم درگیری های مداومش با مقامات مذهبی بخصوص کلیسای کاتولیک است. و هنگامی که سر اسقف انگلستان که تابع پاپ و کلیسای رومی است میمیرد، هنری دوم صدر اعظم خود یعنی توماس بکت را به سراسقفی کلیسای انگلستان انتخاب می کند.

توماس بکت در موقعیت جدید ناگهان از فعالیت سیاسی فاصله میگیرد و راه زهد و دینداری را درپیش میگیرد. دیگر او مرد خداست و نمیتواند در خدمت مصالح دنیوی حکومت باشد. او جامه اشرافی را بدر میآورد و لباس زمخت کشیشان را میپوشد. مدام در حال عبادت است و سعی میکند به توده های مردم نزدیک شود. او به پادشاه در مورد بی عدالتی ها و خشونت ها و همچنین رفتارش با مردم فقیر و بیچاره هشدار میدهد. رویکرد بکت باعث میشود که توده مردم او را از خود بدانند و به او امید ببندند.

زهد و عبادت و پشت کردن به اشرافیت و تجملات درباری از یکطرف و موعظه های برانگیزاننده توماس بکت و دعوت مردم و پادشاه به پیروی از تعالیم مسیح سبب خشم و نفرت اشراف و صاحب منصبان حکومتی از او شده و سعایت و بدگویی از او در نزد پادشاه

شروع میشود. توماس کم کم بطرف توده های مردم می‌رود و برای احقاق حقوق آنان با اشرافیت و با فئودالها درمیافتد.

برای هنری دوم که او را معتمد ترین فرد بحساب می‌آورده و هدفش از انتصاب او تبعیت آباء کلیسا از حکومت و قدرت سیاسی اش بوده، این تغییرات روحی و رفتاری توماس قابل قبول نیست. زیرا توماس علناً هنری دوم را از قضاوت پرودگار آگاه میکند. جنگ بین مردم که رهبرشان توماس است و حکومت علنی میشود. بالاخره هنری دوم مجبور میشود او را از مقامش برکنار کند. اما توماس بکت انتخاب خود را کرده است و حاضر به کوتاه آمدن نیست. بالاخره هنری دوم دستور دستگیری و محاکمه توماس بکت را صادر میکند.

توماس در جلسه محاکمه بجای هر پاسخی بخشی از فراز های انجیل در مورد عدالت و مهربانی با مردم را میخواند. آنچنان که خشم تک تک قضات را برمی انگیزد. او دنیا دوستی و لذت پرستی آنان را به سخره میگیرد. در باره وظایف آنان در حکم جانشینان مسیح هشدار میدهد و آنان را از حاضر شدن در ملکوت خداوند بیم میدهد. قضات بی اعتناء به دفاعیاتش حکم مرگ او را صادر میکنند. اموالش مصادره میشود و به جرم خیانت به پادشاه سوزانده میشود. پیش از آن نیز در منظر مردم تا حد غیرقابل انتظاری تحقیر و شکنجه میشود.

اگر فیلم مردی برای تمام فصول را دیده باشیم و یا فیلم نامه اش را خوانده باشیم، ماجرای توماس بکت بسیار شبیه ماجرا زندگی و سرنوشت «توماس مور» فیلسوف و مثاله انگلیسی و نویسنده کتاب «اتوپیا» یا آرمان شهر است. او نیز از طرف «هنری هشتم» به سراسقفی کلیسای «کانتربری» که بالاترین مقام مذهبی در انگلستان است منصوب میشود اما در انتخاب بین ماندن در مقام و اجرای فرمان خدا او دومی را انتخاب میکند. ظاهر داستان، مخالفت توماس مور با طلاق ملکه است زیرا حکم طلاق در کاتولیسم ممنوع است. اما واقع امر این است که توماس مور نگران حمله پادشاه اسپانیا و نیروی دریایی قدرتمند او به انگلستان به بهانه سرپیچی هنری هشتم از فرمان پاپ است که بشدت از طرف پادشاه اسپانیا حمایت میشود. همسر قبلی هنری هشتم خواهر پادشاه اسپانیاست.

اما تفاوت توماس بکت و توماس مور در این است که اولی مقامی سیاسی است که به مقامی مذهبی برگزیده میشود و با قرار گرفتن در این مقام تارک الدنیا میشود و حاضر نیست مثل بسیاری از کشیشانی باشد که دین فروش هستند و برای بدست آوردن ثروت و یا مقامی دنیوی دین خدا و فرامین مسیح را وامیگذارند. اما توماس مور کشیش و فیلسوفی مثاله است که به مقام «چنسلری» یا همان سراسقفی برگزیده میشود.

در هر حال هر دو آنها سرنوشتی مشابه دارند. آنها هر دو بناچار در موقعیت انتخاب بین دین و دنیا قرار میگیرند. و چون به دیانت خود وفادار میمانند ابتدا مقام خود سپس دارایی و خانواده خود و در نهایت جان خود را بر سر ایمان خود میگذارند و با تحقیر و شکنجه و مرگی فجیع چشم از جهان فرومیبندند. جالب است که هر دوی آنها بعد از مرگی ناعادلانه از

طرف کلیسای روم به مقام قدیسان برکشیده شدند. ده سال بعد از مرگ توماس بکت کلیسای کاتولیک او را قدیس اعلام میکند.

همچنانکه اشاره شد این داستان توسط یک کماندار و کمانساز آلمانی تبار که زمانی دراز محافظ سرپرده ی پادشاهی هنری دوم بوده و از مراودات هنری و توماس بکت مطلع بوده روایت میشود. او در شبی زمستانی مهمان یک راهب پیر در صومعه ای در آلمان است. راوی بدلیل خدمت در دربار از نزدیک شاهد سقوط توماس بکت از نخست وزیری تا زاهدی مسیحی بوده و با ذکر جزئیاتی حیرت انگیز از این ماجرا داستان را شیرین و جذاب میکند. روایتی هیجان انگیز که خواننده را تا به انتهای کتاب رها نمیکند و پس از آن نیز تا مدت‌ها پرسش‌های فراوانی را در ذهن خواننده ایجاد میکند.

«کنراد فردیناند مایر» نویسنده ی این رمان تاریخی زیبا، نویسنده ای آلمانی زبان و اهل سوئیس است که در قرن نوزدهم بدنیا آمد. او که مردی فرهیخته بود مدتی نقاشی کرد اما از ۴۰ سالگی ببعد و در ادامه فعالیت‌های هنری اش به ادبیات روی آورد و چند دفتر شعر و چند رمان منتشر کرد. مایر غیر از داستان زندگی و مرگ توماس بکت چند رمان دیگر در باره شخصیت‌های تاریخی نوشته است اما ظاهر هنوز بفارسی ترجمه نشده است.

در پایان باید به ترجمه خوب این رمان توسط آقای محمود حدادی اشاره کرد. آقای حدادی که رمان را از زبان اصلی یعنی آلمانی ترجمه کرده مثل تمام آثاری که بفارسی برگردانده اثری مهم با زبانی یکدست و زیبا به خوانندگان ارائه کرده که جای قدردانی دارد.